

M. B. SMITH

اهمیت بناهای اصفهان
از نظر علم آثار قدیمه

توانا بود هر که دانا بود

۴۵۵۹



سالنامه معارف اصفهان سال تحصیلی ۱۳۱۴-۱۳۱۳

موزه آذربایجان

AVPOA

78820
7883

Myron Bement Smith

Ahammiyyat-i Banāhāī-i Iṣfahān az Nazar-i 'Ilm-i Āthār-i Kadīme

(The Archaeological Importance of the Monuments of Iṣfahān)

(in Persian)



کتابخانه مرکزی
Central Library
Tehran University

in

Sālnāmeḥ-i Ma'āref-i Iṣfahān 1313-1314

(Yearbook of the Iṣfahān Department of Education)

(Iṣfahān, August 1936) pp. 75-87
with 13 illustrations from photographs by the author





آثار تاریخی اصفهان

تدوین شرح مبسوطی راجع بآثار قدیمه اصفهان که چه از حیث کمیت و چه از حیث کیفیت، مقام اول را در کشور دارا میباشد، و درج این شرح در سالنامه، گرچه یکی از نظرهای اساسی اداره معارف اصفهان بود، معذک پس از تأمل بیشتر معلوم شد که عملی کردن این منظور، نه تنها از حوصله کم این سالنامه خارج است. بلکه اوراق یک کتاب و دو کتاب هم بآن وفا نمیکند؛ باین نظر بیشتر سعی کردیم که از اینیه تاریخی و مناظر زیبای آن، عکسهای تهیه دیده در خلال صفحات بچاپ برسانیم و شاید این اقدام تا اندازه ای جبران آنچه را که میخواستیم و میسر نمیشده است، کرده باشد.

با وجود این برای آنکه این موضوع را کلاً مسکوت نگذارده باشیم، از مهندس اسمیث که مدتهاست راجع بآثار عتیقه ایران بمأه وریت از طرف هیئت امریکائی کار میکنند و فعلاً چند ماهی است بنقشه برداری از مسجد جامع اصفهان مشغول میباشند، خواهش کردیم که کلیاتی را در اینموضوع تهیه کرده برای درج در سالنامه ارسال دارند. ایشان هم خواهش ما را پذیرفته شرح تقریباً تازه و مطبوعی بزبان انگلیسی نوشتند که بتوسط آقایان سیف پور فاطمی و آرین پور کاشانی ترجمه شده، ذیلاً از نظر مطالعه کنندگان میگردد.

اهمیت بناهای اصفهان از نظر علم آثار قدیمه

هنگامیکه آقای تاج الدین امامزاده رئیس معارف و اوقاف بنگارنده دستور دادند که مقاله ای درموضوع فوق بنگارم و عکسهای در اینخصوص تهیه کنم باینکه اطلاعاتم در اینباب ناقص است و این عمل فرصت و مطالعات زیادی لازم دارد ولی از آنجائیکه در عرض سه سال گذشته وزارت معارف

مساعدهای زیادی بطرق مختلف در اینراه بینده نموده و خود را مرهون اولیای آنوزارتخانه میدانم ، از اینرو ناچار اطاعت کرده و امیدوارم اگر موفق شوم که ده سال دیگر در این شهر بمانم بتوانم مقاله سودمندتری راجع باین موضوع بنگارم . معلومات فعلی نگارنده فقط بآن اندازه است که باید بگویم درصحت آنچه آموخته ام شك دارم وهنوز باید تتبعات زیادی بنمایم .

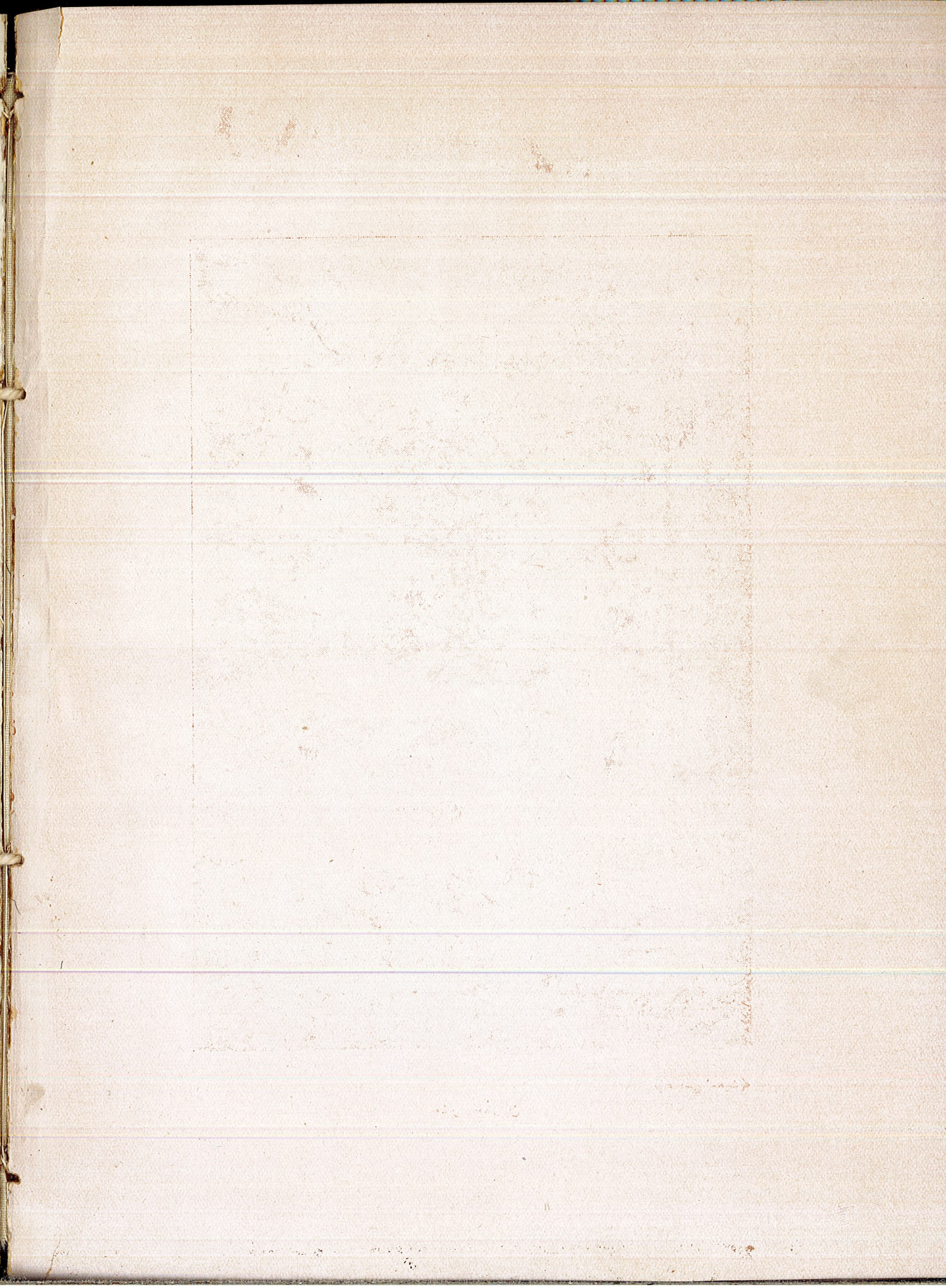
علم آثار قدیمه را که نسبت علمی است تازه ، وقتی در مورد بناهای اصفهان بخوایم مورداستفاده قرار دهیم ، باید علاوه بر آن تاریخ معماری و تاریخ عمومی و جغرافیا و علم کشف کتیبه ها و صنایع ظریفه و ادبیات و مذهب و تتبعات در بعضی موضوع های دیگر را نیز در نظر بگیریم ، و خلاصه هر منبعی که برای کسب اطلاع مفید است در دسترس داشته باشیم . در میان این منابع فهرست نویسندگان ایرانی و تازی شامل اشخاص بسیاری است که در باره تاریخ و جغرافی اصفهان اطلاعاتی بخواننده میدهند از قبیل ابن خرداد به (۲۵۰ هجری) ابن قدامه (۲۶۶ هجری) یعقوبی (۲۷۸ هجری) ابن رسته (۲۹۰ هجری) مسعودی (۳۲۲ هجری) ابن حوقل (۳۶۷ هجری) مقدسی (۳۷۵ هجری) ناصر خسرو و (۴۳۸ هجری) یاقوت (۶۲۳ هجری) قرظینی (۶۷۴ هجری) ابو الفدا (۷۲۱ هجری) مستوفی (۷۴۰ هجری) ابن بطوطه (۷۵۶ هجری) و علی یزدی (۸۲۸ هجری) نویسندگان نامبرده تاریخ روزهای نخستین این شهر و دهکده های اطراف آنرا ذکر میکنند ، که از مهمترین آنها فریقان واقعه در ناحیه رودشت و فیروزان در خولنجان بوده است و گویند فر دوسی از غضب شاه محمود غزنوی به فیروزان پناه بسته است .

بد بختانه هیچ « اصفهان نامه » ای که تاریخ اصفهان را بالخصوص



﴿عکاسی اسپیٹ﴾

منار ساربان



ذکر کنند در دست نیست. بنا بر این کتاب «محاسن اصفهان» که در سال ۴۲۱ هجری، المافروخی تألیف نموده و ترجمه پارسی آن بتوسط العلوی مورد استفاده ماست، اهمیتش در پیش ما مشهود میگردد. چند سال پیش آقای میر سید علی جناب فوت کرد و بدبختانه موفقی با تمام کتاب «الاصفهان» خویش (۱۳۰۳ هجری) نگردید. آقای مصطفی قاتح راجع بنسخه کمیابی از تاریخ اصفهان با نگارنده صحبت نموده و لی هنوز توفیقی زیارت کتاب مزبور را پیدا نکرده و امیدوارم بزودی توفیق مطالعه آنرا حاصل کنم.

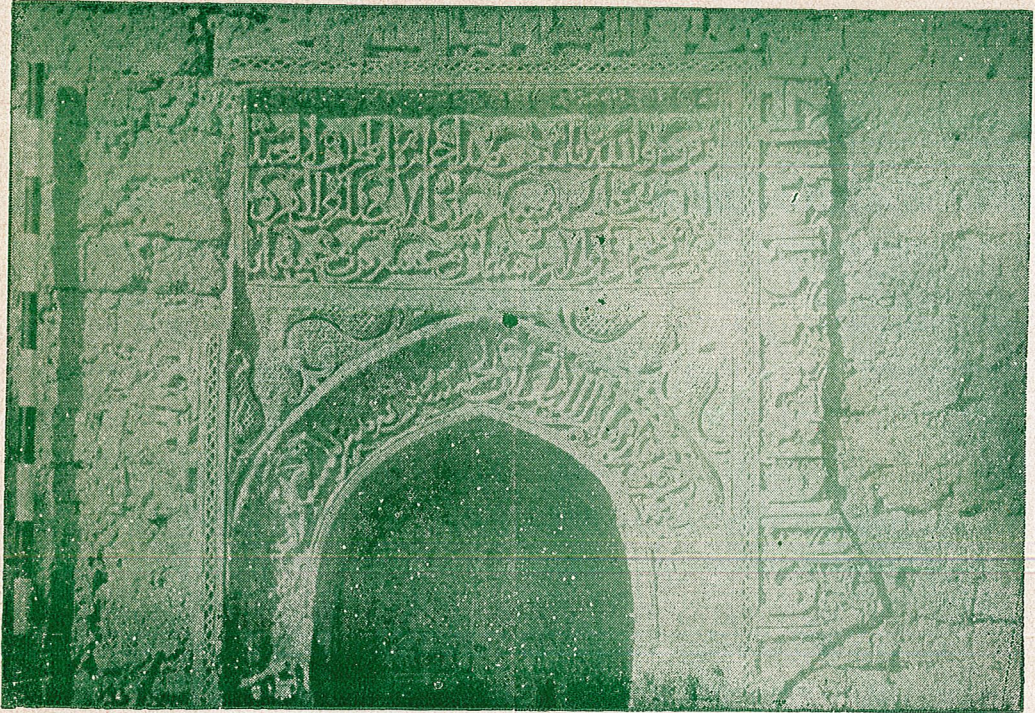
آیا تا کنون هیچیک از مورخین جوان این شهر بخیال نگارش «اصفهان نامه» ای افتاده اند؟ اگر چنین باشد قطعاً نسل آینده متتبعین را مرهون خویش خواهد ساخت. جشن هزارمین سال بزرگترین داستان سرای ایران فردوسی طوسی که دو سال پیش در سرتاسر جهان گرفته شده نشان خوبی است که ایرانی قدر تاریخ نویس را میدانند و آنانی که میکوشند تاریخ گذشته و با شکوه ایران را نشان داده و آنرا حفظ نمایند، مقامی ارجمند دارند، بنظر نگارنده برای جوان ایرانی چیزی بالاتر از این نیست که بوسیله تحقیقات علمی و تاریخی بار دیگر بجهان نشان دهد که آنانی که هزاران سال تمدن و عظمت ملی ایران را بوجود آورده و در حفظ آن میکوشیدند چه قسم مردمی بوده اند.

در میان سیاحان اروپائی که اصفهان را دیده اند هیچیک شرحی بخوبی شوالیه شاردن (۱) جواهر فروش فرانسوی که در سالهای ۱۶۶۶ - ۱۶۷۶ میلادی در اصفهان مقیم بوده بیادگار نگذاشته اند. در سال ۱۶۱۹ میلادی یکی از نجیبای ایتالیا بنام پیتر و دلاواله (۲) در دربار شاه عباس اول میزیسته و از

اوضاع زندگانی آن زمان با فر و جلال شرح ذیقیمتی باقی گذارده است - سایر سیاحانی که کم و بیش آثار نفیسی از خویش بیادگار گذارده اند، عبارتند از ژوزفا باربارو (۱) (ایتالیایی ۱۷۲۷) برادران شرلی انگلیسی: رابرت (۲) (۱۵۹۹ - ۱۶۲۷) و انتونی (۳) (۱۵۹۹ - ۱۶۰۰) سر توماس هربرت (۴) (انگلیسی ۱۶۲۸)، آ. اولیر بوس (۵) آلمانی (۱۶۳۷) ژ. ب. تاورنیه (۶) (فرانسوی ۱۶۲۹ - ۱۶۶۷)؛ آ. دلپه دسلاند (۷) (فرانسوی در حدود سال ۱۶۶۵)؛ ژ. تونوت [۸] (فرانسوی ۱۶۶۵ - ۱۶۶۷)؛ ژ. استرویس (۹) (۱۶۷۲)، دکتر فرایر (۱۰) (انگلیسی ۱۶۷۶)؛ پ. سانسون (۱۱) (فرانسوی ۱۶۸۳)؛ آ. کانفر (۱۲) (۱۴۸۶ - ۱۶۸۸)؛ س. لوبرون (۱۳) [هلندی ۱۷۰۳ - ۱۷۰۴]؛ فادر کروسینسکی (۱۴) لهستانی «۱۷۰۰ - ۱۷۲۳» ج. بل (۱۵) (انگلیسی ۱۷۱۷)؛ آ. دوپره (۱۶) (فرانسوی ۱۸۰۷ - ۱۸۰۸) جیمز موریر (۱۷) (انگلیسی ۱۸۰۹)، سر. ج. مالکم (۱۸) انگلیسی (۱۸۰۰ - ۱۸۱۵)، سر. و. اوسلی (۱۹) (انگلیسی ۱۸۱۱) و سر رابرت کرپورتر [۲۰] انگلیسی (۱۸۱۸)

علاوه بر این سیاحان خارجی که بسفارت یا سیاحت و یا تجارت باصفهان آمدند، بیداری اروپا و تمایل به تحقیق در علوم نیز گروهی از متبعین را که در طلب حقیقت و دانش بودند، بایران سوق داد؛ این عده متحمل سفرهای دشوار و طولانی شدند؛ یکی از اینها گزایه هومر دوهل «۲۱» اهل باشک

-
- | | | |
|------------------------------|----------------------------|---------------------|
| (1) Josefa Barbaro | (2) Robert Sherley | (3) Anthony |
| (4) Sir Thomas Herbert | (5) A. Olearius | (6) J. B. Tavernier |
| (7) A. Daulier -Deslandes | (8) J; Thevenot | (9) J. Struys |
| (10) Dr. J. Fryer | (11) P. Sanson | (12) E. Kaempfer |
| (13) C. Le Brun | (14) Father Krusinski | (15) J. Bell |
| (16) A. Dupré | (17) James Morier | (18) Sir J. Malcolm |
| (19) Sir W. Ousley | (20) Sir Robert Ker Porter | |
| (21) Xavier Houmaire de Hell | | |



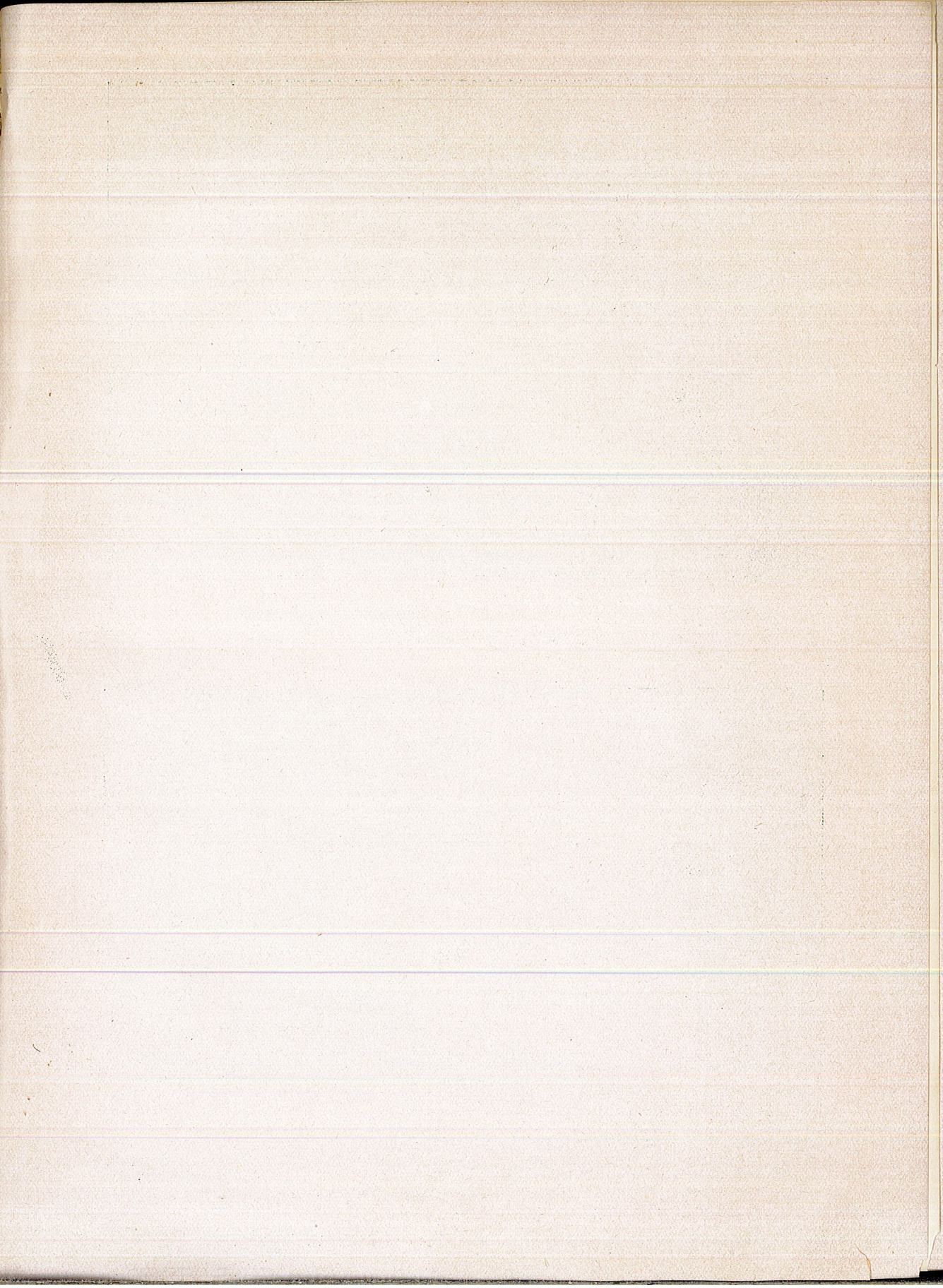
﴿ عکاسی اسمیث ﴾

محراب کچیری مسجد بوزان



﴿ عکاسی اسمیث ﴾

قطعه حجاری مربوط بدوره ساسانیان (راجم صفحه ۸۴)



و عالمی نابغه بوده و سطح دانش و صحت گفتار و روش تحقیقات علمی او بمراتب بالاتر از محیط و زمانش بوده است. وی در اصفهان بدرود زندگی گزیده و در دامنه کوه صفه زیر سنگی خوابیده است. چند سال قبل از او یعنی در سال ۱۸۳۹ شارل تکسیه (۱) که معماری فرانسوی بود سفری باصفهان نمود و اندکی پس از آن دولت فرانسه کتاب وی را که دارای ترسیم‌هایی از مسجد شاه و مدرسه مادر شاه بود بطبع رسانید. دو نفر فرانسوی دیگر ا. فلاندن (۲) نقاش و پاسکال کوست (۳) معمار از سال ۱۸۴۰ تا ۱۸۴۱ در اصفهان اقامت گزیدند و علاوه بر اینکه ترسیمی تازه از دو مسجد نامبرده تهیه کردند، از چهل ستون و هفده ست و آینه خانه و دیگر جاها و پل رکن الدین و پل اللهوردیخان و چهارباغ و مسجد جمعه و غیره ترسیماتی برداشتند. ترسیمات نامبرده با کمال زیبایی از طرف دولت فرانسه در جزوه سه کتاب نفیس بطبع رسیده. در این هنگام بود که علمای خارجی بیش از پیش با اهمیت معماری ایرانی علاقمند شدند. یکنفر معمار معروف فرانسوی بنام ویوله لودوک (۴) تحقیقاتی در اطراف رابطه میان معماری گت‌های فرانسه و ساختمانهای زمان ساسانیان و پیش از اسلام نمود و چون آدمی با نفوذ بود، و زیر صنایع ظریفه فرانسه را ترغیب باعزام (مارسل دیولافوا) (۵) بایران نمود تا در اینخصوص تتبعاتی بنماید (که در این زمینه تا آنوقت هیچ اقدام مؤثری بعمل نیامده بود) خوشبختانه مارسل خانمی داشت بنام ژان (۶) که علاقه مفراطی به اینکار داشت و این خانم در نتیجه تحقیقات علمی افتخارات و نام بزرگی بدست آورد؛ این زن شرحی در اطراف

(1) Charles Texier (2) A. Flandin, artist (3) Pascal Coste, architect
 (4) Viollet le Due (5) Marcel Dieulafoy (6) Jane

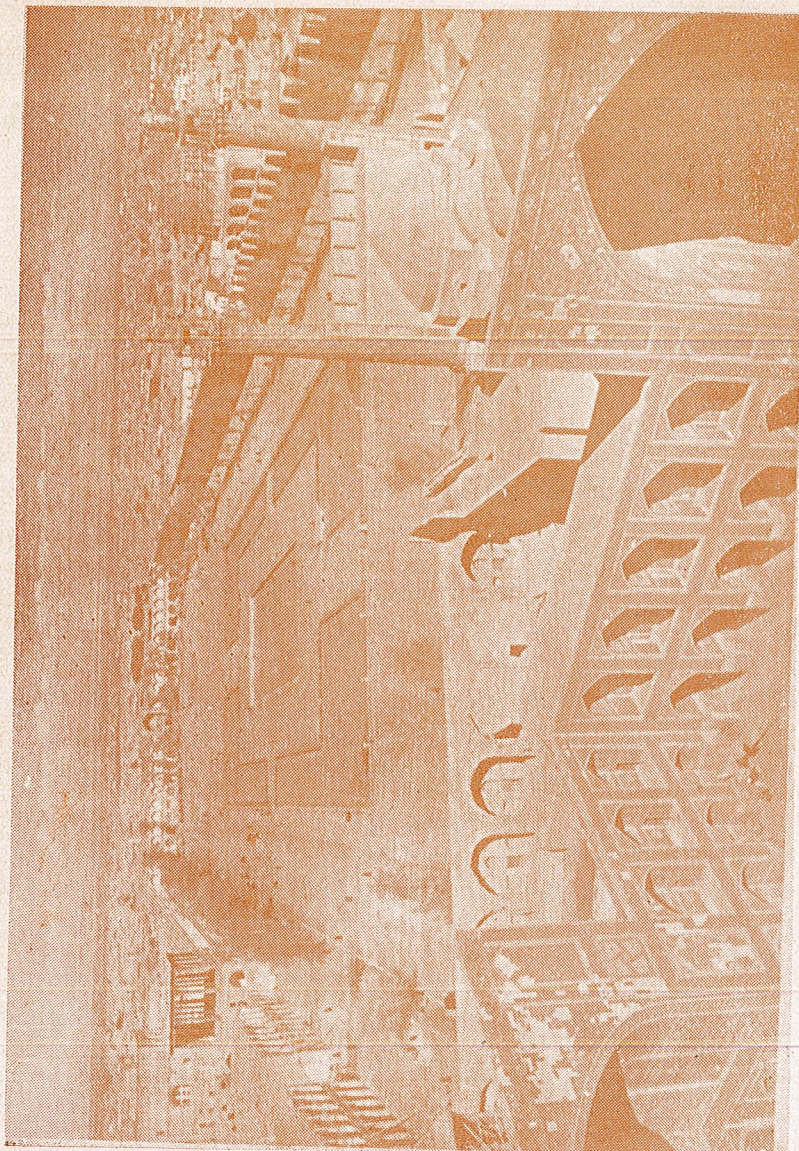
اصفهان در سال ۱۸۸۱ نگاشته که هنوز هم گنجینه اطلاعات صحیحی است و بعلاوه بزبان ادبی و شیرینی نوشته شده است .

پرفسور د کتر فردریخ سار (۱)، که اهل برلن بود در مدت مسافرت خود بایران سال (۱۸۹۹-۱۹۰۰) باصفهان آمد . کشفیات مشارالیه را جمع بصنایع اسلامی ایران و ارزش واقعی آن خیلی ذیقیمت تر از کشفیات سایر علماء این فن میباشد ؛ کتاب معروف وی (۲) یکی از اساسی ترین مآخذ معماری ایران اسلامی است و قسمت بزرگی از آن هم بساختمانهای اصفهان وخصوصاً دوره صفویه تخصیص داده شده و مسجد جامع معروف ، جلب توجه او را نموده است ؛ آخرین سفر د کتر سار بایران در دو سال پیش هنگام انعقاد کنگره فردوسی بود .

یکی از دوستان بزرگ ایران یعنی پرفسور د کتر ا. و. ویلیام جکسن (۳) عالم معروف امریکائی در طی تحقیقات خویش در باره دین های قدیم ایران در سال ۱۹۰۳ باصفهان سفر نمود و آتشگاه را که در اطرافش افسانه های گوناگون گفته شده ، مورد دقت قرار داد ، بطوریکه در کتاب خود بنام « ایران گذشته و امروز » راجع بدان فصل مشبعی نوشته است . مشارالیه که از بزرگترین دانشمندان امروزی آمریکا در قسمت عقاید و زندگانی ایرانیان است ، فعلا در دانشگاه کلمبیا در نیویورک پروفسور انتخابی است .

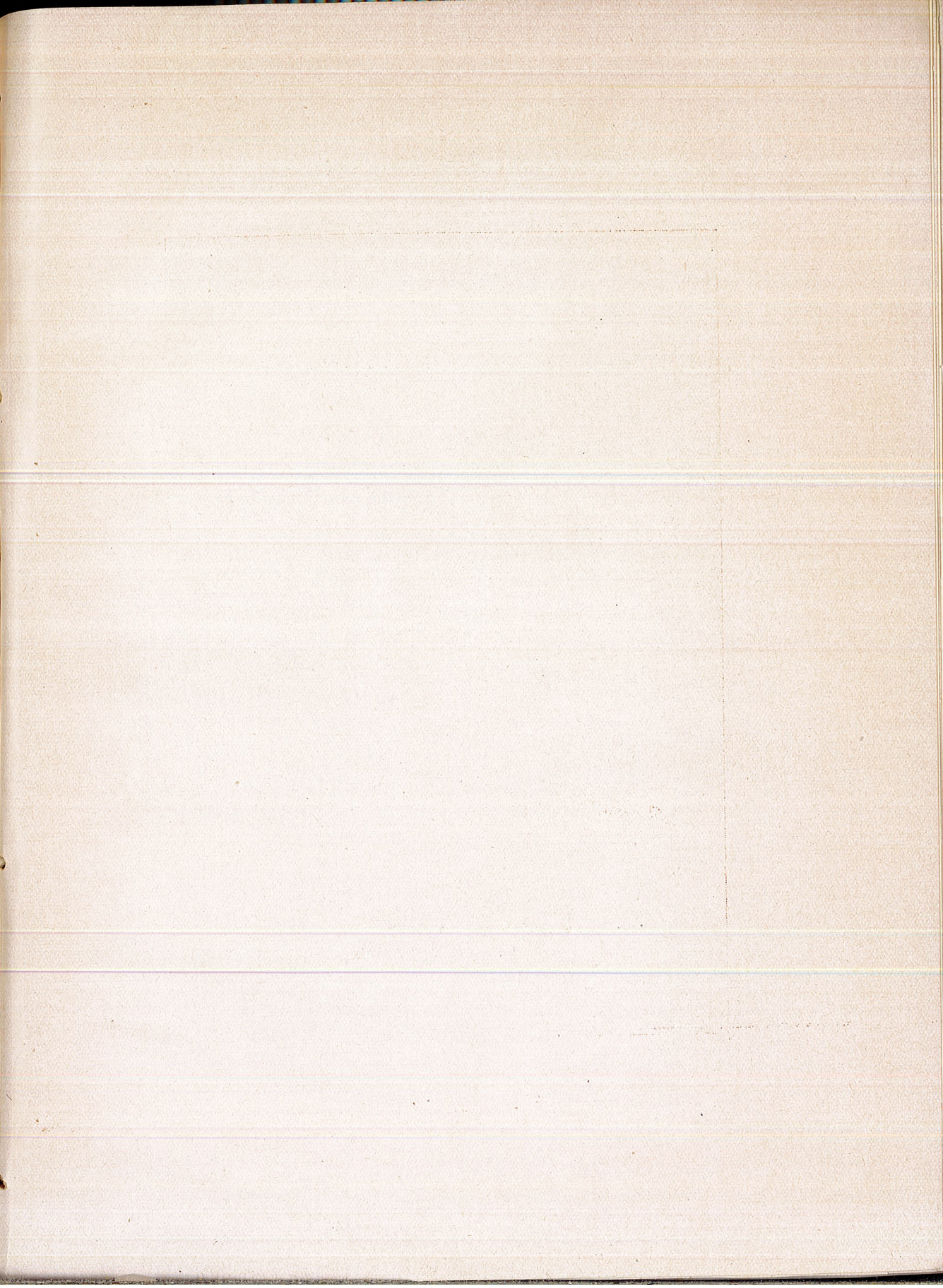
پروفسور د کتر ژوزف استرزگوسکی (۴) اهل وین از اشخاصی است که بیش از سایرین مشرق زمین وخصوصاً ایران را سرچشمه نفوذ صنایع ظریفه در اروپای قرون وسطی شمرد و هبیتی از معماران تشکیل داده و شاگرد خویش پروفسور د کتر ارنست دیز (۵) را به ایران روانه

(1) Friedrich Sarre (2) "Denkmaler Persischer Baukunst",
 (3) A. V. Williams Jackson, (4) Josef Strzygowski,
 (5) Ernst Diez



منظره عمومی میدان شاه

﴿عکاس اسمیت﴾



نمود. گرچه پروفیسور دیز بیشتر تحقیقات خویش را در خراسان نمود، باز در سال ۱۹۱۴ باصفهان سفر کرد و خیلی از ساختمان مسجد جامع متعجب گردید و عکس‌هایی نیز از آن برداشته و راجع بآن در کتاب خویش بنام «ایران» و نیز در کتاب دیگرش شرحی نوشته است، محققاً پروفیسور دیز نخستین دانشمند اروپائی است که اهمیت مسجد جامع را گوشزد نموده است. وی فعلاً در ایالات متحده امریکا ساکن و در کالج برین ماور «۱» تاریخ صنایع ظرفه اسلامی را تدریس میکند. از قراریکه بنگارنده نگاشته، خیال دارد باز سفری به ایران نموده و دنباله تحقیقات خویش را بگیرد.

در حدود ۱۹۰۰ - ۱۹۰۵ یک نفر فرانسوی بنام ژروه کورتلمن «۲» باصفهان آمده و از بناهای آن عکس‌هایی برداشته است منجمه عکسی که از محراب کچج بری معروف مسجد جمعه برداشته بدست کاشف معروف کتیبه‌ها ماکس فن برخم «۳» سویسی افتاد که با ذره بین قوی و زحمت زیاد توانست این کتیبه معروف و تاریخی الجایتو و تاریخ آنرا که ۷۱۰ هجری است بخواند، وی اینقسمت را در ۱۹۰۹ منتشر ساخته است. ح. سلا دین «۴» در کتاب خود بنام «راهنمای صنایع اسلامی» عکس‌های دیگری که ژروه کورتلمن از اصفهان برداشته، مورد استفاده قرار داده است.

در چند سال گذشته چند نفر از دانشمندان هر یک برای مدت کمی در اصفهان به مطالعات آثار و صنایع جاویدان این شهر پرداخته اند از قبیل آ. گابریل «۵» که با مسیو ژ. سوواژه «۶» برای یک هفته در سال ۱۹۳۴ مسجد جمعه را مورد تحقیقات خویش قرار داده و شرحی عالی در

[1] Bryn Mawr (2) Gervais Courtellemont (3) Max von Berchem,
4) H. Saladin (5) A. Gabriel, (6) J. Sauvaget

باره این بنا انتشار داده است راجع بمسجد جمعه میتوان گفت «هیچکس نمیتواند قبل از اینکه تاریخ معماری ایران اسلامی را بخوبی بداند این مسجد را بشناسد و هیچ تاریخی هم در این خصوص ممکن نیست بتوان نوشت ، قبل از آنکه اسرار معماری مسجد جمعه کاملاً کشف شده باشد»
با تشکیل انجمن آثار ملی که بموجب قانون عتیقات مصوبه دوازدهم آبان ۱۳۰۹ شمسی پیدا شد ، مطالعه و تحقیق در اطراف بناهای تاریخی صورت دیگری بخود گرفت و فوری عمارات جالب توجه در عداد این بنیه ملی محسوب گردید و به آبادانی و نگاهداری آنها اقدام شد . در همین موقع خود این انجمن تحقیقات و تتبعات علمی در اطراف عمارات تاریخی بعمل آورد و بکشف کتیبه ها و تهیه نقشه ها و طرز ساختمان آن ها پرداختند . بزودی دانشمندان بیطرف دریافتند که انجمن جدید التاسیس نامبرده بخوبی میتواند تحقیقات علمی خویش را در باره این بنیه تاریخی اعمال کرده از آنها نقشه برداری کند و از اینرو دانستند که اگر پس از این اقداماتی بخواهند بکنند فقط باید در تأیید و تکمیل اقدامات انجمن آثار ملی باشد؛ آنهایی که جز این عقیده دارند خوبست بمطالعه مجله « آثار ایران » که سالیانه از طرف انجمن منتشر میگردد ، پردازند .

انجمن نامبرده در جزو تشکیلات وزارت معارف میباشد و علاوه بر حفظ ساختمانهای گرانبهای تاریخی و ملی و تهیه هاییکه محتوی آثار باستانی هستند، بوسیله انتشارات خود این بناها را بعنوان اسناد زنده تاریخ معرفی مینماید و بدانوسیله جوانان ایران میتوانند دوره های پهلوانی گذشته خویش را برآی العین ببینند و در اثر این بینش زندگی خویشرا در راه ایران باشکوه و فرامروزی و آتیه درخشان آن نثار کنند .

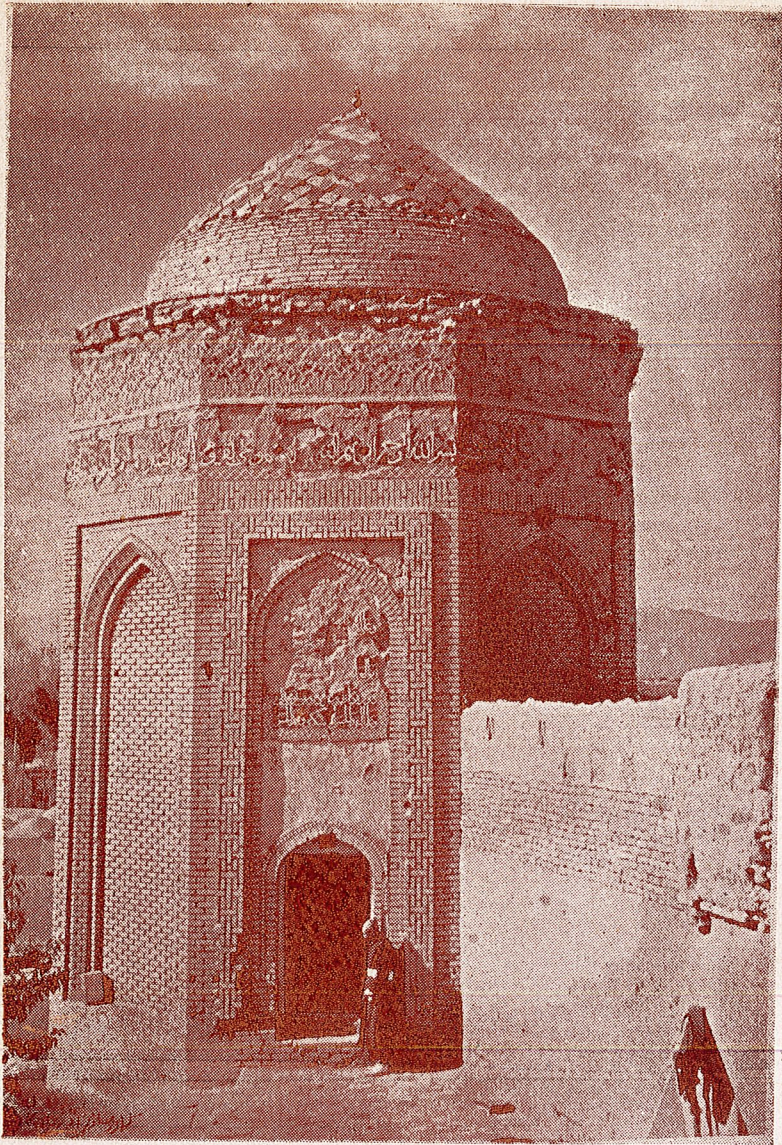
تا کنون در اصفهان ۳۹ بنا در جزو آثار ملی بشمار رفته و این

شماره خیلی بیش از شماره آثار ملی شهرهای دیگر است. در سال آینده هم در نظر است که چند اثر مهم دیگر بدان افزوده شود. این عدد ثر و تمندی اصفهان را از حیث بناهای تاریخی نشان میدهد و در ایران هیچ نقطه دیگری بهتر از اصفهان برای مطالعه در معماری اسلامی نیست از همین رو هنگامیکه هیئت انجمن های دانشوران آمریکا مرا برای مطالعه تاریخ معماری ایران بدین کشور فرستادند، تصمیم گرفتم که اصفهان را مرکز خویش قرار دهم. در اینجا وجود مهمترین ساختمانهای اسلامی در ایران یعنی مسجد جمعه جالب توجه مرا نمود.

اگر علم آثار قدیمه در پیش خارجیان اینقدر مهم و جالب توجه باشد باید بمراتب بیشتر، این علم برای ایران و ایرانیان دارای اهمیت باشد. یکعده از زمامداران سلف برای همیشه این تک را از خویش گذاردند که آنها تنها خود علاقه و توجهی به صنایع ظریفه نداشتند، بلکه پیوسته ممد خرابی ابنیه و آثار تاریخی بودند و بزرگترین و بهترین گنجینه های صنعتی ایران را در برابر پیشیزی به دلالتان خارجی میدادند و این دلالتان گنجینه صنعت ایران را مالک شده بهای گزافی بموزه های خارجه میفروختند. در جائیکه موزه های نیویورک، لندن و پاریس برای تعلیم و تربیت نوباوگان خویش حاضر باشند پولهای گزاف و هنگفت در راه نمونه های صنایع ایرانی بدهند، واضح میشود که این آثار صنعتی برای ایرانیان امروزی و آینده چه قدر ارزش باید داشته باشد؛ وضع قانون عتیقات که در آغاز عصر درخشان پهلوی انجام گرفت بخوبی نشان میدهد که ایرانی قدر این گوهرهای پربهارا شناخته و صدور عتیقه را مانع نمیشود. وزارت معارف استحقاقاً عهده دار اجرای این قانون است و اداره شهربانی و عدلیه نیز بنوبه خود معاونین اجرای آنند. تا کنون مختصری در باره اهمیت آثار ملی ایران از نظر ملی گفته شد و اینک چند کلمه راجع با اهمیت آن در عالم علم و دانش گفته میشود.

در اینجا دیگر روی سخن بکلیه متتبعین و دانشمندانی است که ز ندگانی خویش را صرف پیدا کردن حقیقت، سنجش براهین، آزمایش علمی روایات و بالاخره تعیین حقایق نموده اند. امروزه دولت شاهنشاهی ایران امتیاز بزرگی به ما داده یعنی بدیشان فرصت داده تا برخلاف سابق با آزادی و صبر و انتظام آثار ایرانی را مورد امتحان قرار دهند. پس همه محققین و دانشمندان باید برای همیشه سپاسگذار یگانه شخص عالی مقام و زمامدار بزرگ این کشور باشند.

حال به بینیم که هنگامیکه ابنیه اصفهان را از نظر سند علمی تاریخ ایران مورد تحقیق قرار دهیم چه نتیجه خواهیم گرفت. از ازمینه ما قبل تاریخی (۵۰۰۰—۳۰۰۰ سال پیش) تا کنون آثاری در این ناحیه کشف نشده است، اما قطعاً ظروف سفالین و آلات دفاعیه آن اعصار تیره در بعضی از تپه ها پیش مدفون است. تا کنون آثاری هم از زمان هخامنشی در این حدود کشف نشده است. ولی از زمان ساسانیان دو اثر خیلی نفیس بر روی سنگ باقیمانده که عکس یکی از آنها را در خلال صفحات این مقاله ملاحظه خواهید کرد و خیلی میل دارم بدانم که این سنگها ابتدا در کجا پیدا شده است. اگر در اطراف ابنیه اسلامی هم بحث کنیم، باز باید قسمتهائی از مسجد جمعه را قدیمتر از تواریخی که روایات مذکور میدارند بدانیم؛ اما قدیمترین تاریخی که در آنجا یافت شده، با نام ملکشاه سلجوقی توأم است، یعنی ۴۶۵—۴۸۵ هجری که در گنبد قبله دیده میشود. پس از آن در گنبد کوچک شمالی سنه ۴۸۱ هجری مشاهده میگردد. تواریخ نامبرده باسنه ۵۱۵ هجری که روی یکی از درها منقوش است. ظاهر آنها تاریخهای سلجوقی است که از مسجد جمعه باقی مانده است، اما ابنیه دیگر اصفهان مانند منار چهل دختران (۵۰۱ هجری)، امام زاده



فوتگاسی اسمیت

امامزاده جعفر

کرار در بوزان (۴۲۸ هجری) و هفت سنه دیگر زمان سلجوقیان که
 (۶ عدد آنها نگارنده بزودی برای اولین بار منتشر خواهد ساخت) دارای
 دلائل و شواهد حقیقی است که امیدوارم بوسیله آنها ثابت نمایم که اصفهان
 در مدتی که پایتخت سلجوقیان بوده، طرز بناهای آن دارای اسلوب کامل
 محلی بوده و این بناها از هر جهت بیش از ساختمانهای خراسان زاده
 فکر و روح ایرانیست و خوشبختانه از دستبرد و عوامل خارجی محفوظ
 مانده است. خیالی جالب توجه است که عده زیادی از آثار زمان سلجوقیان
 هنوز در اصفهان باقی است. تا کنون نگارنده شانزده بنا از زمان سلجوقیان
 پیدا کرده و امیدوارم باز هم اینبه دیگری متعلق بآن زمان پیدا کنم.
 همانطوریکه باید انتظار داشت از سال ششصد هجری هیچ بنائی در
 اصفهان باقی نیست، اما چند بنا از سال هفتصد هجری باقیمانده و اینقسمت
 ثابت میکند که پس از هجوم مغول به اصفهان فوری باز در اوضاع آن
 بهبودی حاصل شده است. بیشتر این ابنیه در دهکده های دور دست قرار
 دارد و نگارنده در اماکن مزبور کتیبه شامل تاریخ هائی که هنوز منتشر
 نشده با چندین بناها که تاریخ ساختمان آنها تا کنون تحقیقاً معین نشده
 یافته ام. با انتشار این آثار امیدوارم نشان دهم که از چندین جهات طرز
 معماری سلجوقیان در اصفهان عمومیت داشته بعلاوه ساختمانهای عصر مغولی
 هم در اصفهان واجد طرز و استیل مخصوص بخود این شهر بوده است
 اصفهان در یکقسمت بنائی یعنی در منار سازی خیالی پیشرفت داشته و وقتی
 اخیراً نگارنده در اطراف منارهای اصفهان در دومین شماره مجله آثار
 ایران شرحی نگاشتم، چهل و سه منار در اصفهان و دهکده های اطراف
 آن ذکر نمودم. همه این منارها امروز باقی نیست ولی هیچ شهر دیگری
 هم اینهمه منار ندارد. گرچه اصفهان دارای چند بنا از دوره مظفریانست

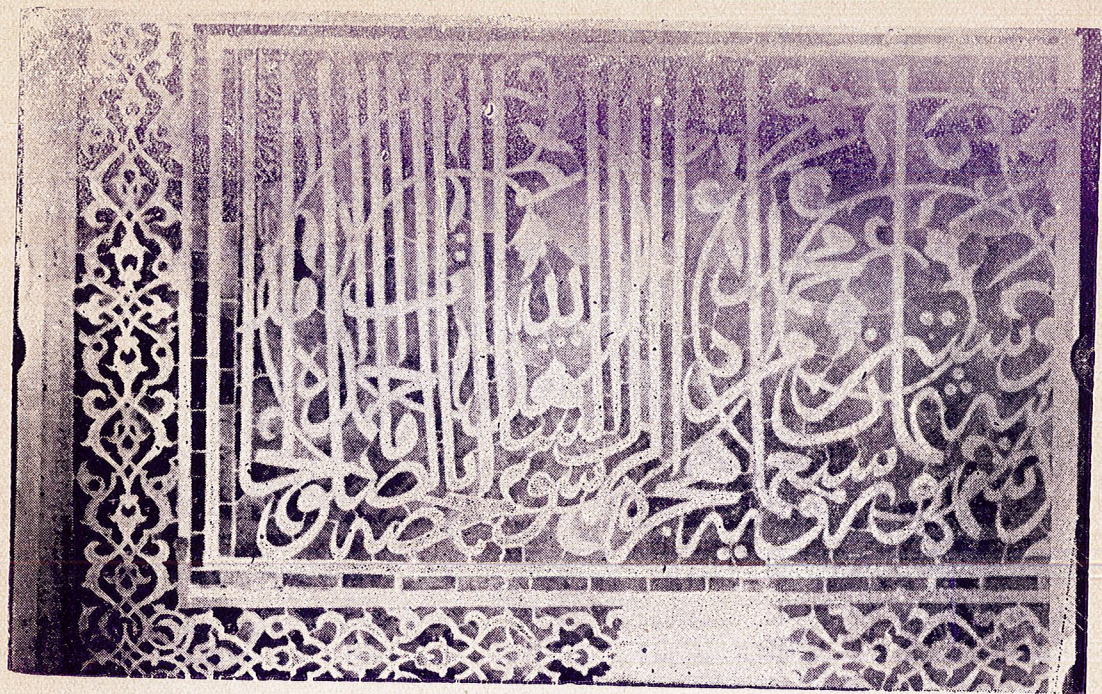
باز در اهمیت و عدد پهای ابنیه بیشماری که صفویه برای آبادانی پایتخت خود ساخته اند نمیرسد .

بنای زیبای پر آب و رنگ مسجد شاه ، طاق بیمانده مسجد شیخ لطف الله ، میدان بی نظیر نقش جهان ، خیابان مصفای چهار باغ ، باغات سرسبز شاداب قصور و کاخهای با عظمت آن عصر درخشان، بهترین معرف ایران دوره صفوی در تمام دنیا میباشند و برای همیشه عده زیادی مسافر از اطراف عالم جلب خواهند کرد . شاه عباس کمبیر و اغلب جانشینانش که دارای فکر عمارت و آبادانی اصفهان بودند نقشه مهمی برای شهر جدید خود در ساحل زاینده رود و جنوب میدان کهنه طرح نموده و روی همان نقشه عمل کردند .

در سال ۱۹۳۲ یک نفر معمار جوان فرانسوی موسوم به بودون (۱) نقشه اصفهان را بطور سطحی مطالعه نموده و یادداشتهایی راجع بآن تهیه کرد ؛ من یقین دارم که نقشه شهر اصفهان در آتیه مورد توجه عده مخصوص زیادی از معمارانیکه راجع بساختمان شهرهای جدید تخصص دارند قرار خواهد گرفت .

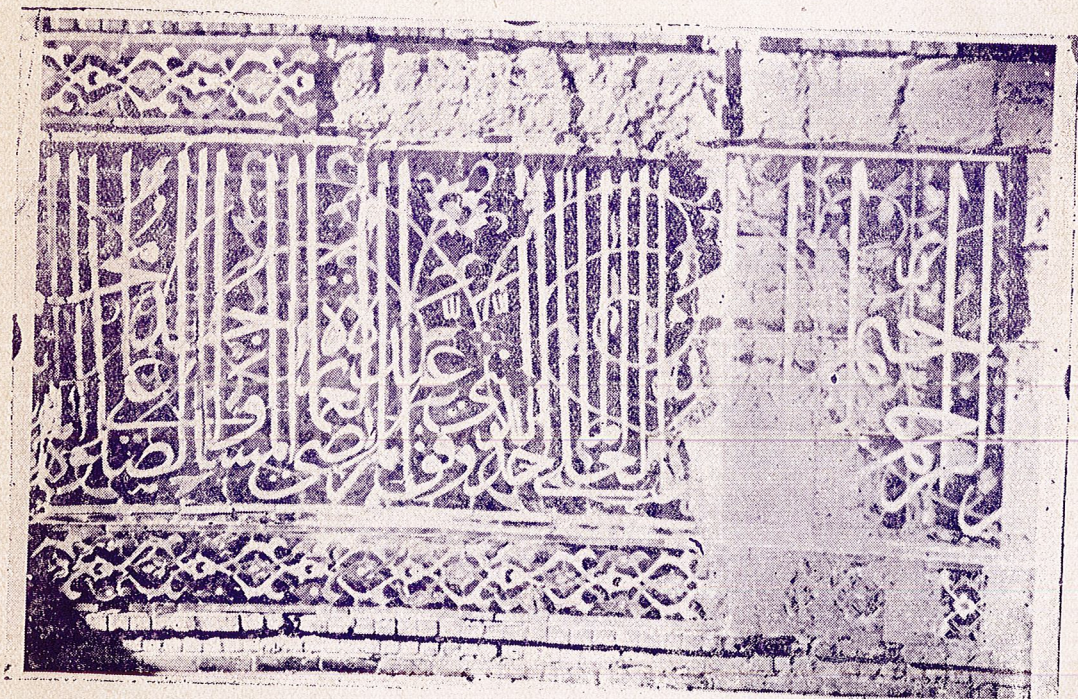
در میان پلهای اصفهان پل سی و سه چشمه و پل رکن الدین در دنیا بی نظیر و هیچ بنائی بخوبی این دو پل نمیتواند از عظمت روحی صفویه و عشق آنها بصنایع ظریفه و ساختمانهای زیبا بحث کند .

این دو پل بهترین معرف زندگانی اجتماعی عصر صفویه است ، آنها بهترین نمونه معماری و ساختمان میباشند ، آنها تفاوت فکری مهندس و معمار را بطور خوبی تشریح میکنند: پل رکن الدین در نظر یک نفر مهندس بمنزله سدی است که وسیله عبور از رود خانه میباشد، در صورتیکه در پیش



«عکاسی اسمیت»

خاتمه کتیبه فوقانی صفت عمر که امضاء نویسنده در آن است



«عکاسی اسمیت»

قسمتی از کتیبه صفت عمر که سابقاً یک مرتبه بغلط تعمیر شده و باید تجدید شود

چشم معمار این پل عبارت است از يك عده غرفه های زیبای رنگارنگ ، در گاههای سایه دار ، ایوانهای محفوظ و گردشگاههای مفرح خنك ، بهترین محل برای استنشاق هوای لطیف ، مناسبترین جا برای استماع نغمه های دلکش سیلاب بهاری و استفاده از منظره دلفریب کوه صفا ؛ بطور خلاصه معمار این بنا در ساختمان آن علاوه بر تأمین احتیاجات مردم نظرهای دیگری بمنظور زیبایی و ظرافت نیز داشته است. همانطور که يك شاعر کلمات را برای بیان افکار خویش بکار میبرد او نیز سنك ، آجر و کاشی را برای مجسم ساختن افکار و ذوق خود در ساختمان این پل مورد استفاده قرار داده است این پل و سد در زیر دست معمار مزبور يك تفرجگاه و سرچشمه شادی و خرمی برای اصفهانیان و خارجیانیکه باین شهر میآیند گردیده و بعلاوه این محل گردشگاه عموم و محل تفریح جامعه میباشد .

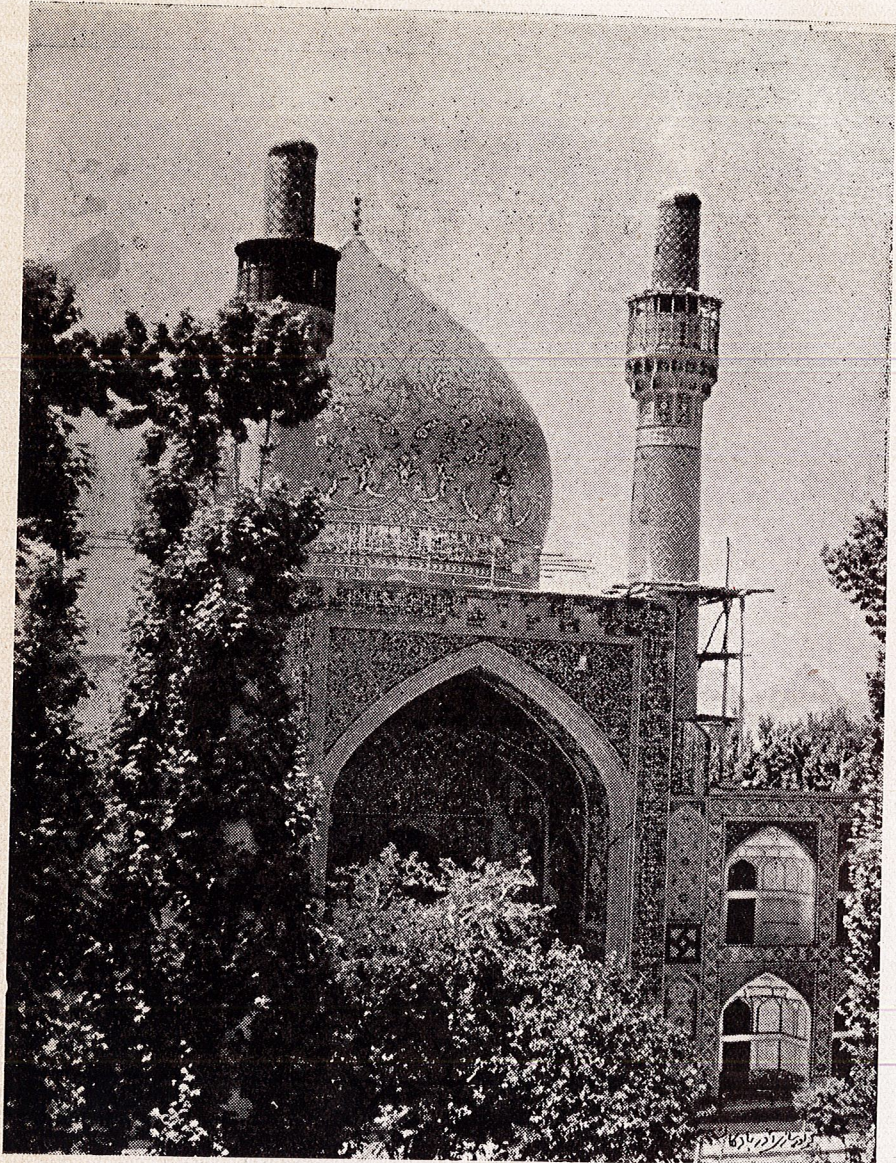
اصفهان - این خزینه معماری و سرچشمه زیبایی این مروارید سینه مادر ایران - این کعبه مسافری در گذشته و حال و آینده - این سرزمین صنایع زیبا، برای همیشه یکی از شهرهای بی نظیر دنیا خواهد بود .

حقدر برای اصفهانی و جامعه ایرانی موجب مباهات و افتخار است که آثار این شهر مورد توجه خاص اعلیحضرت همایون شاهنشاه پهلوی قرار گرفته و امر مؤکد برای حفظ و تعمیر آثار تاریخی آن از آستان مبارک شاهنشاه صادر گردیده و همین موجب شده که آثار بی نظیر این شهر در پناه توجهات شاهنشاه بزرگ قرنهای پایدار و باقی بماند .

میرن ، بیمنت اسمیث - مهندس معماری .

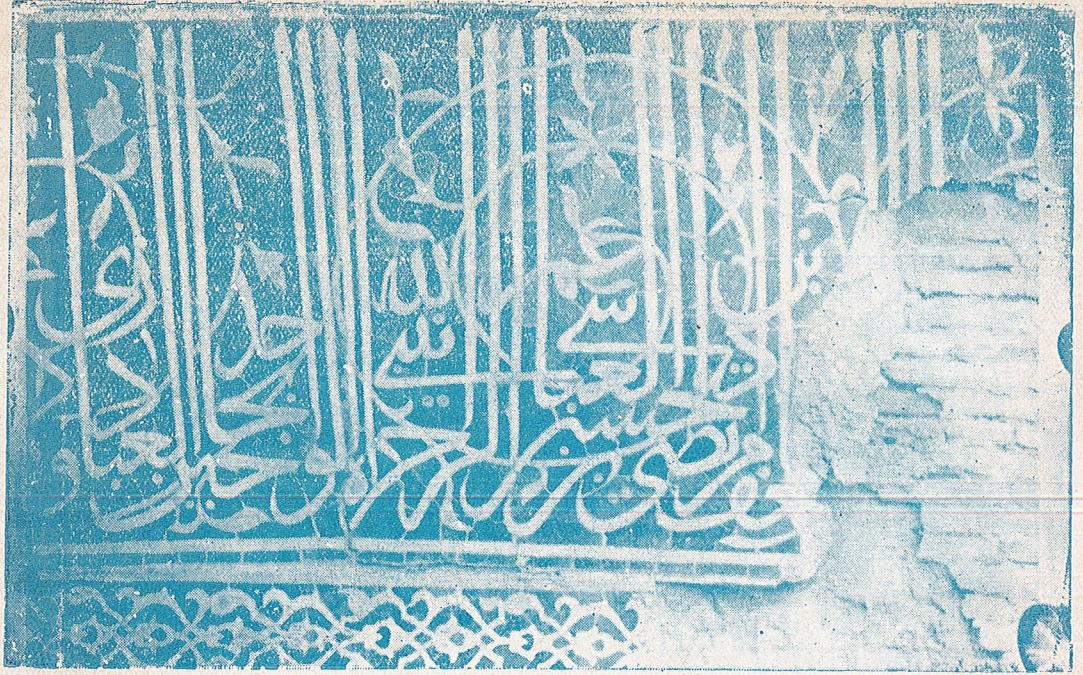
صورت ابنیه تاریخی اصفهان که از روی فهرست آثار ملی غیر منقول اداره کمال عتیقات استخراج شده و شماره بنا مطابق شماره کلی آثار ملی تمام کشور است که ثبت رسیده

شماره ثبت	مشخصات بنا	محل	تاریخ بنا	ملاحظات
۳۷	شهر و خرابه ساسانیان	اردستان	عهد ساسانیان	در شمال شرقی اردستان واقعست
۸۵	کلیسای سن سور	جلفا	۱۰۶۵-۱۰۱۵	
۹۵	مسجد جامع	اصفهان	ملاحظات	انتساب بنای مسجد به المنصور خلیفه عباسی محقق نیست . قسمتهای قدیمتر و مهمتر آن مربوط بزمان ملکشاه است (۴۱۵-۴۶۵ هـ) بگفته یا قوت قسمت قدیمتر داشته است که در موقع محاصره اصفهان بتوسط طغرل بیک سلجوقی خراب شده ؛ سلاطین صفوی و مغول و دیگر سلاطین این مسجد را تعمیر کرده ، وسعت داده اند .
۹۶	مسجد علی	اصفهان	۵۰۱۵ هـ	بامر سلطان سنجر ساخته شده است .



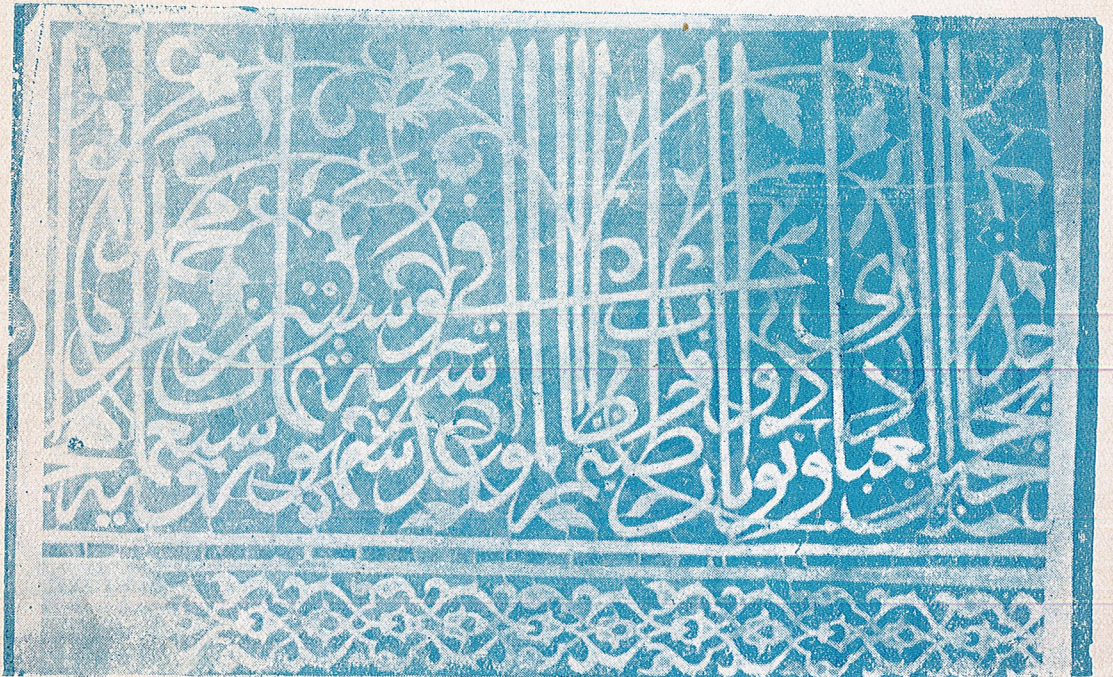
«عکاسی اسمیت»

جنوب مدرسه سلطانی قبل از تعمیر



◀ عکاسی اسمیث ▶

کتیبه صفا عمر که باید تعمیر شود



◀ عکاسی اسمیث ▶

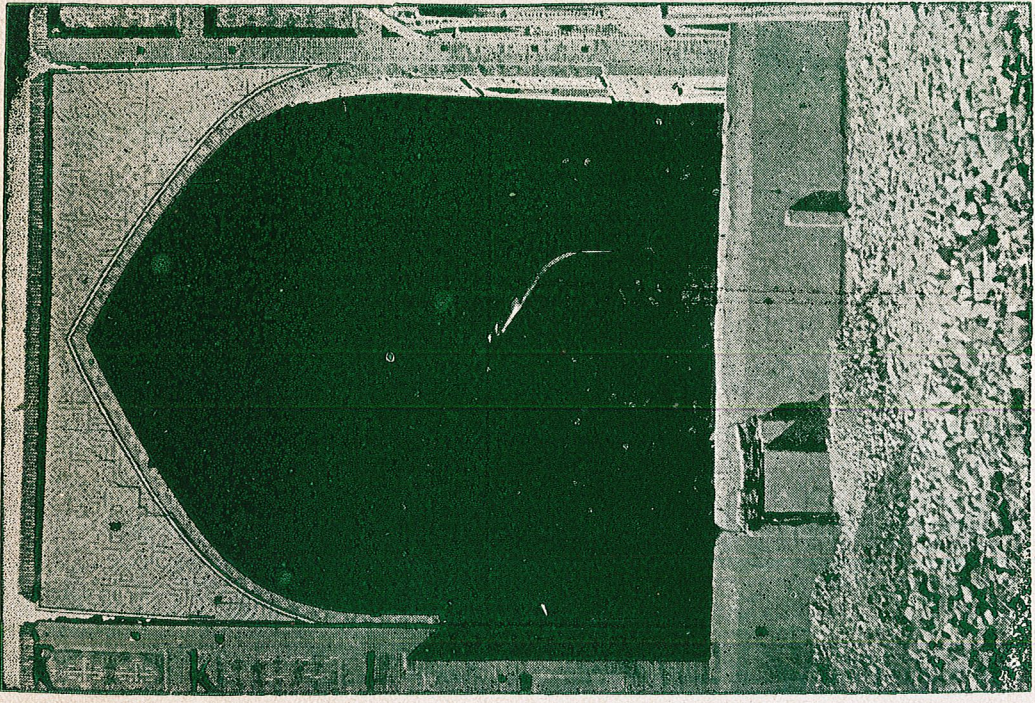
قسمتی از کتیبه که صحیح مانده و تعمیر ندارد

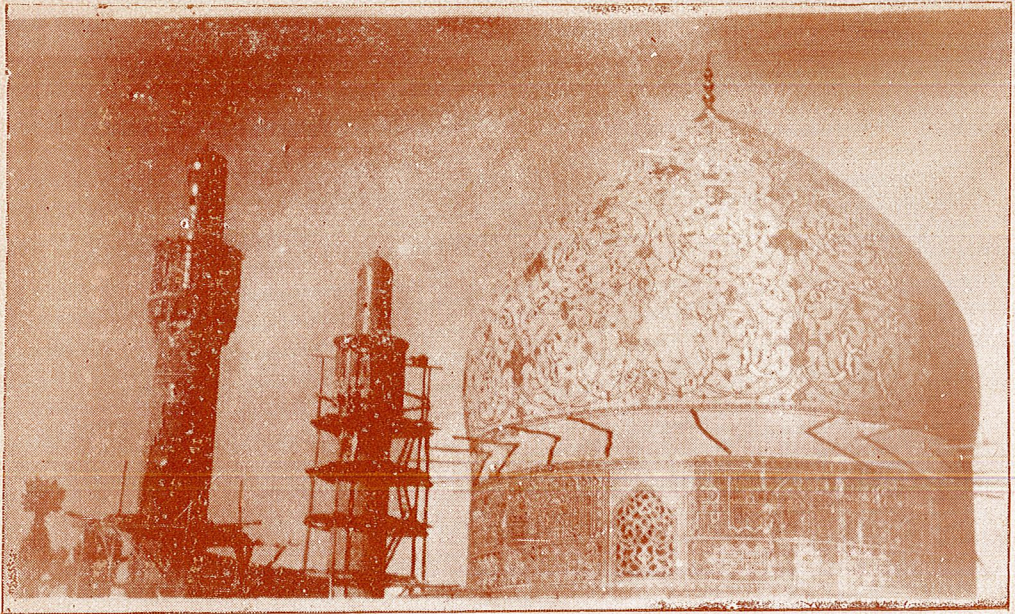
نستی از سقف صفا عمر که مشرف بخجراتی بوده ، در دست تعمیر است

◀ نکاسی اسپین ▶

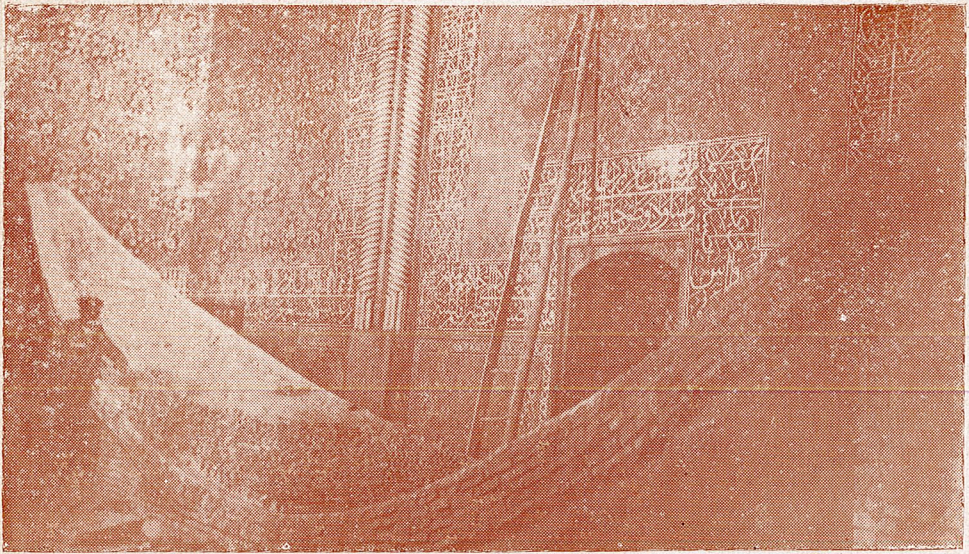


ایوان صفا عمر قبل از تعمیر

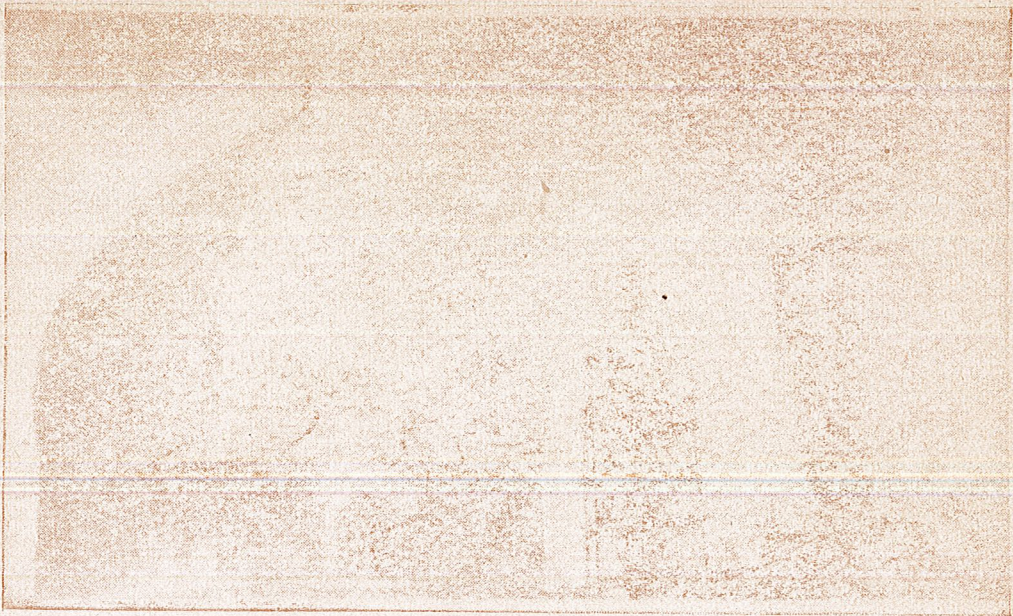




گنبد و مناره‌های مدرسه چهارباغ در حین تعمیر



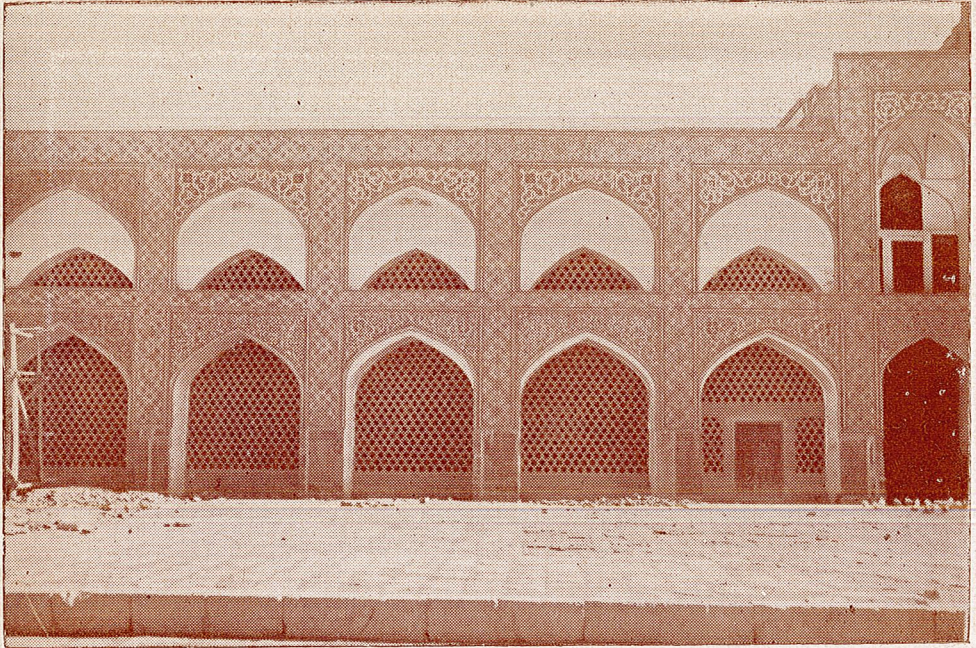
قالب ترکهای گنبد مسجد شیخ لطف الله برای تعمیر که در زیر گنبد ساخته شده .



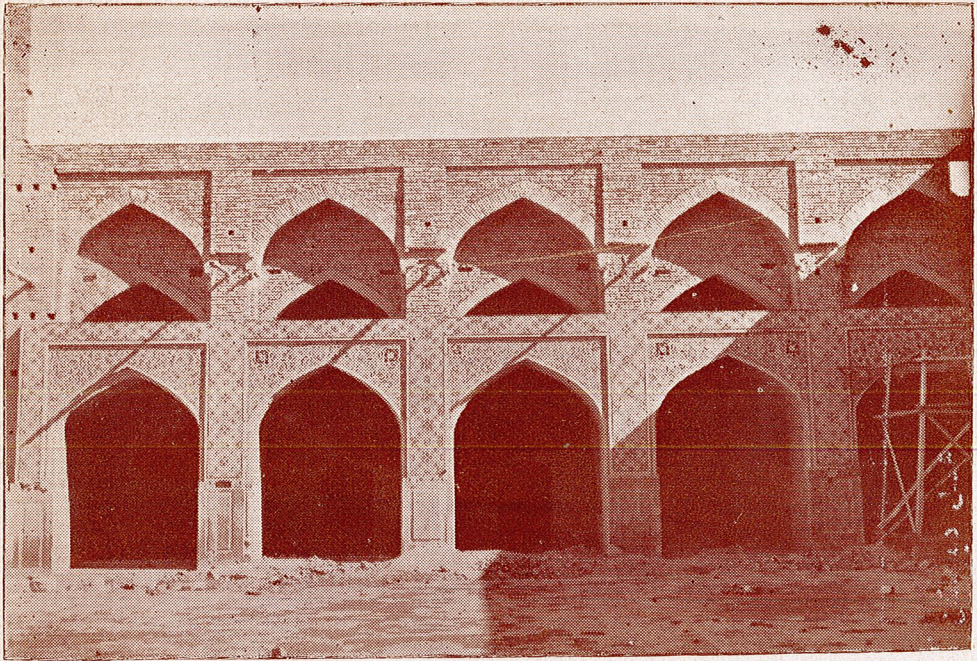
Handwritten text in a cursive script, likely Persian or Urdu, located below the first faded area.



Handwritten text in a cursive script, likely Persian or Urdu, located at the bottom of the page.



منظره خارجی شبستان مسجد جامع



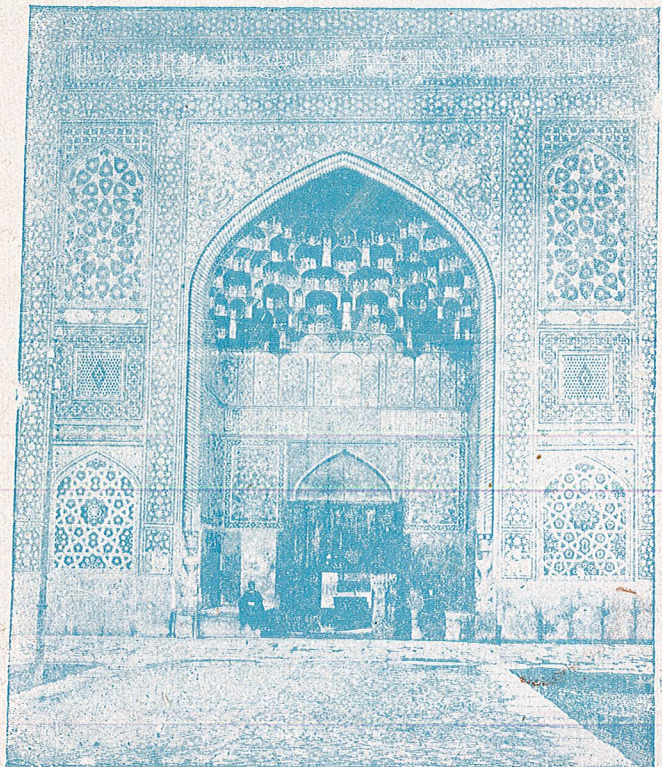
نماهای طرف جنوب شرقی مسجد جامع قبض از تمپیر (فعلاتعمیر آن خاتمه یافته)



﴿عکاسی اسمنت﴾

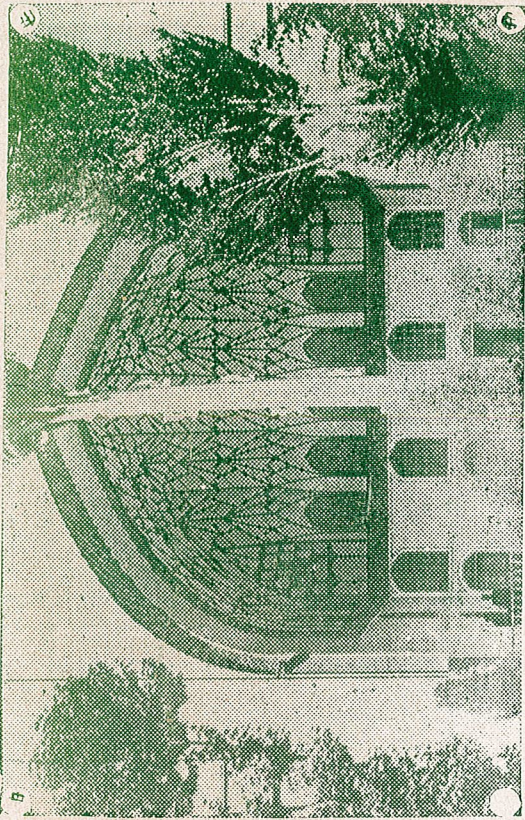
(شکل بالا)

صفه عمر عبد العزيز در مسجد
جامع (قبل از تعمیر)

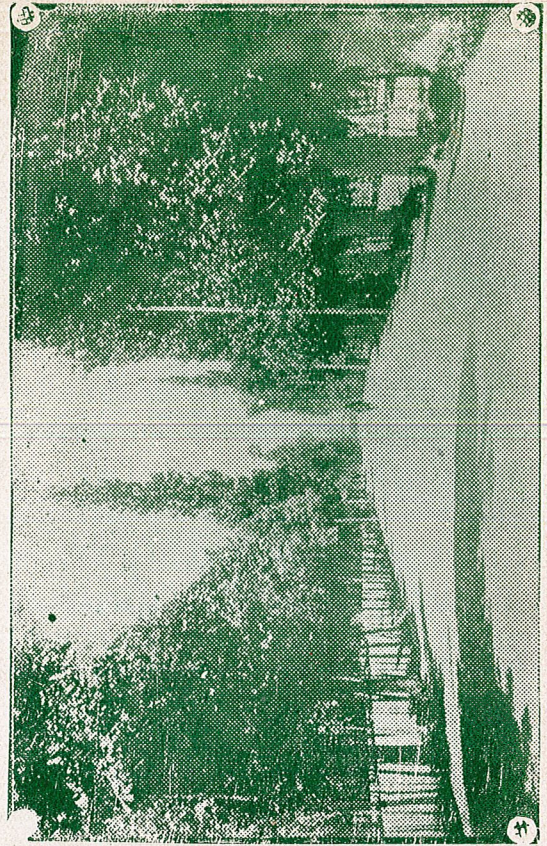


(شکل دست راست)

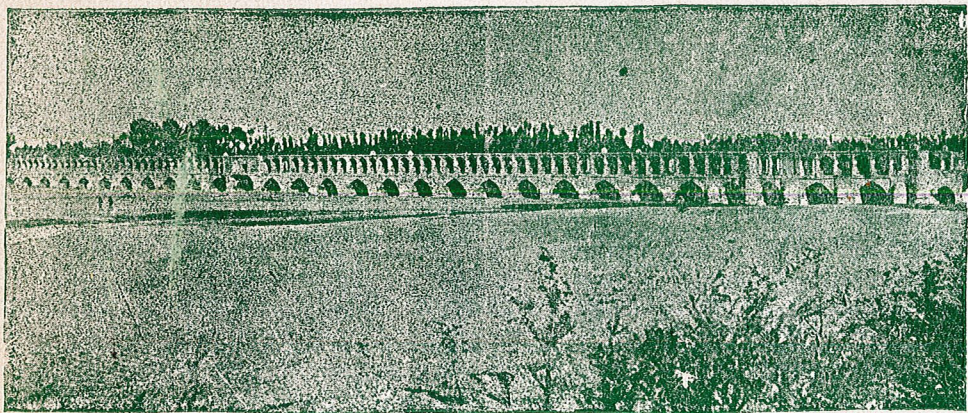
سور درب مدرسه چهارباغ



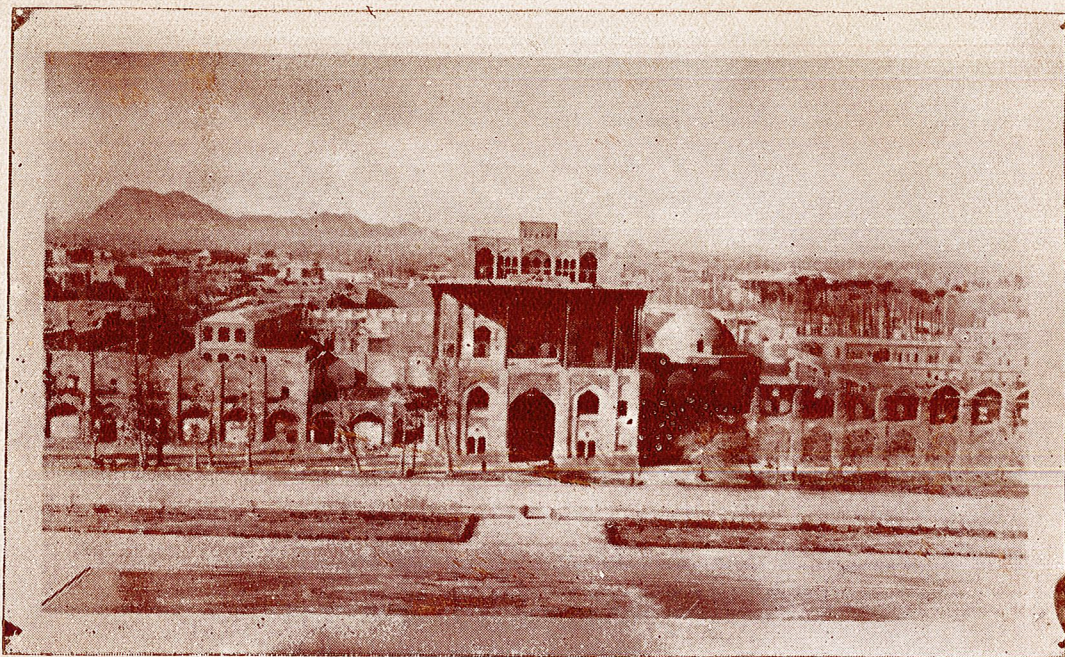
ایوان عمارت تیسوری



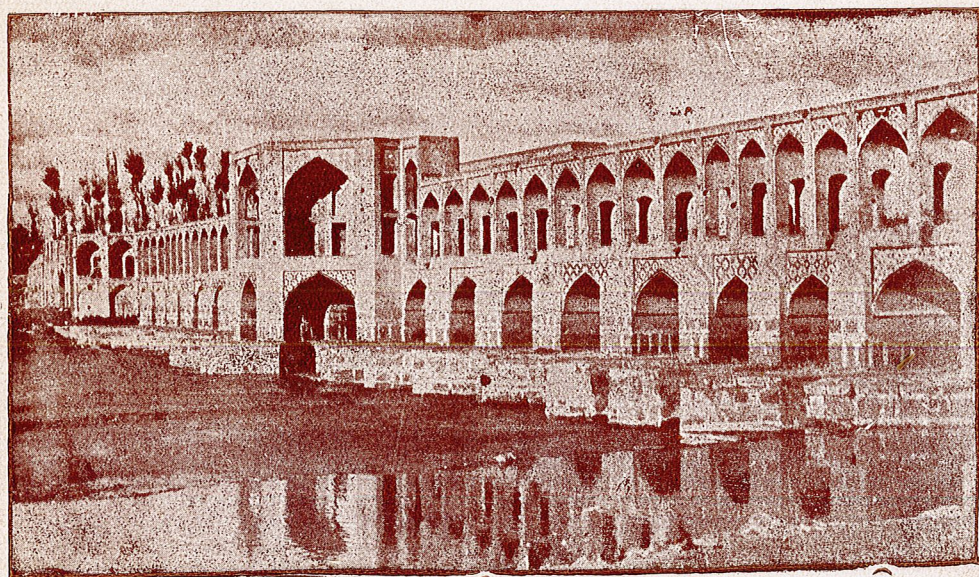
منظره‌ای از خیابان چهارباغ



پل الهوردیخان معروف بسی و سه چشمه

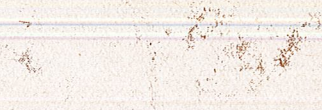


عمارت عالی قاپو و میدان شاه



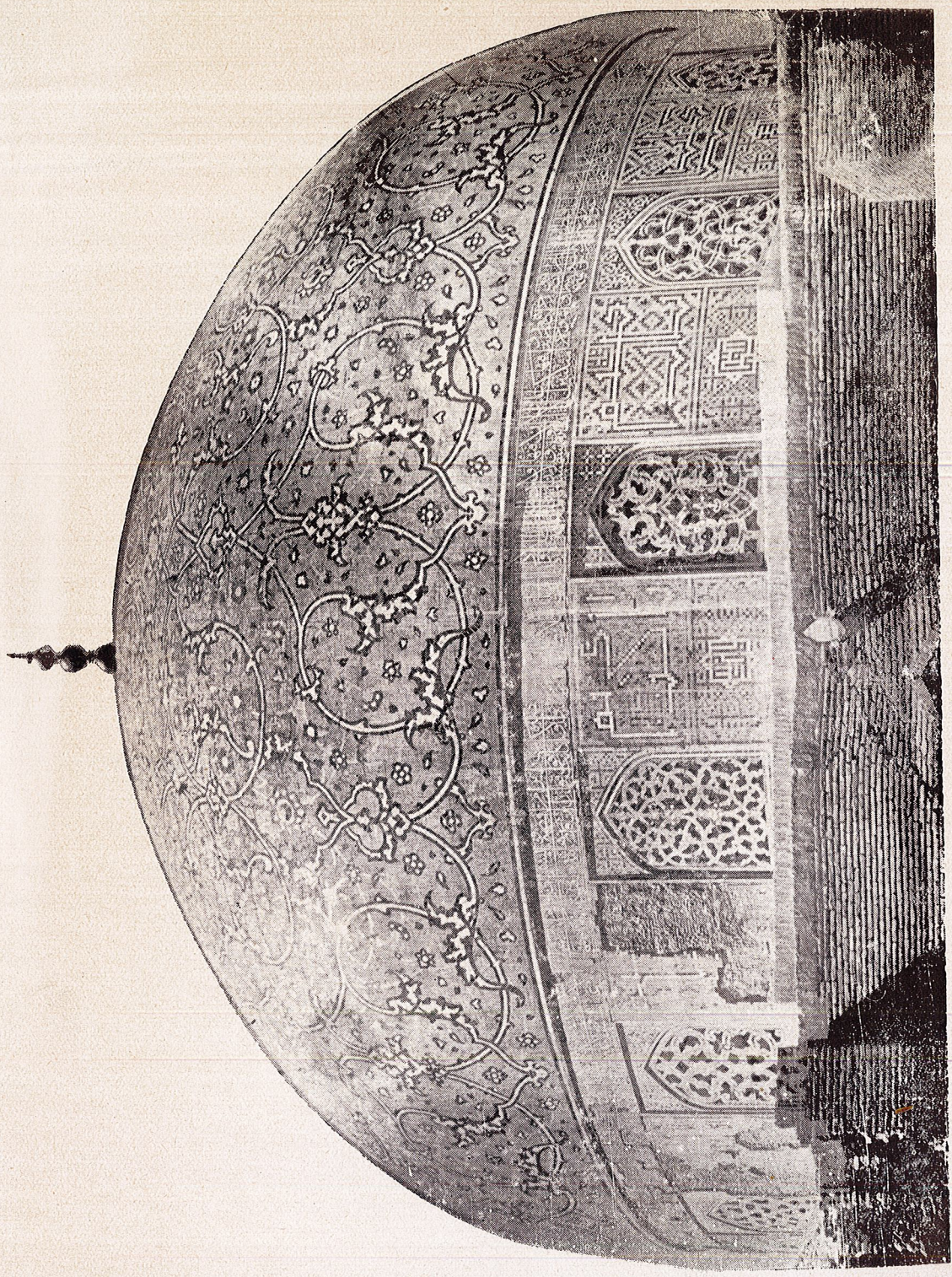
پل خواجه که از آثار زیبا و مهم تاریخی شهر اصفهان است

1875



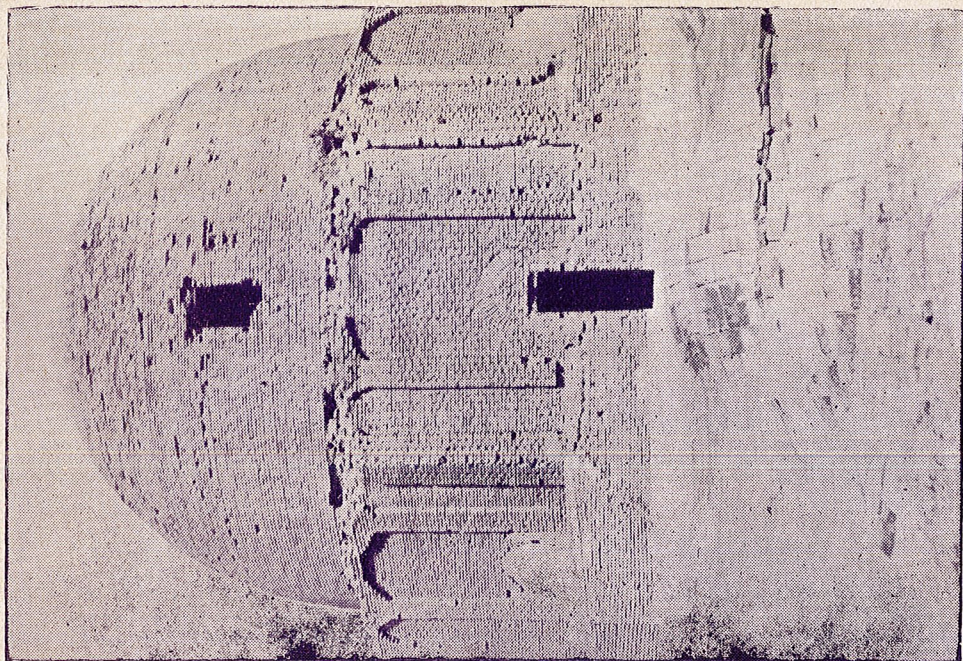
1875



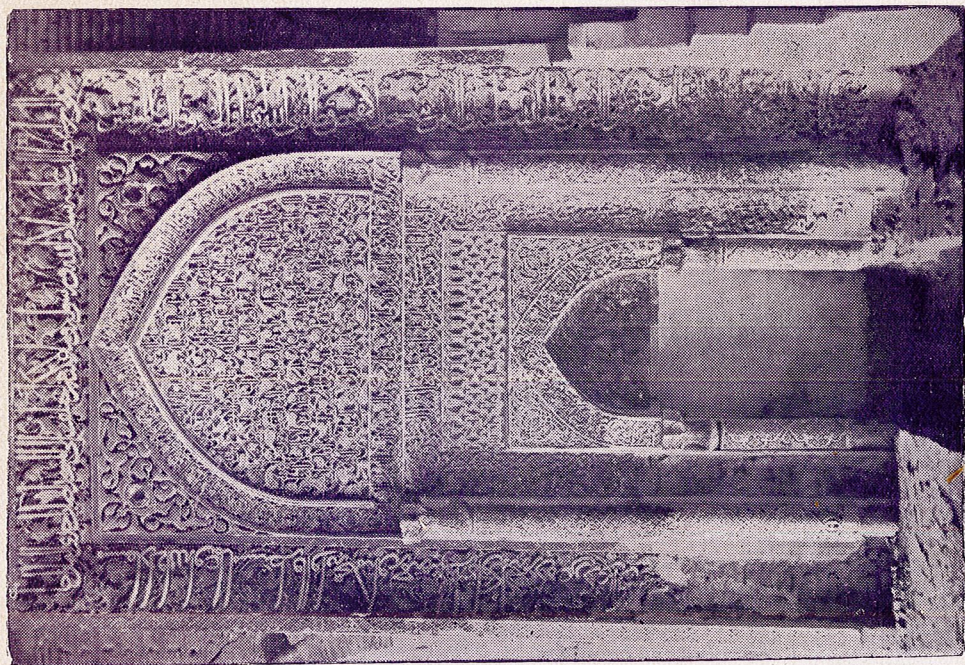


کتاب مسجد شیخ لطف الله بعد از تعمیر در قسمت وسط شکست حادث از هوشنگاه و در طرفین قسمت فوقانی جرز های آجری تازه ساز دیده میشود



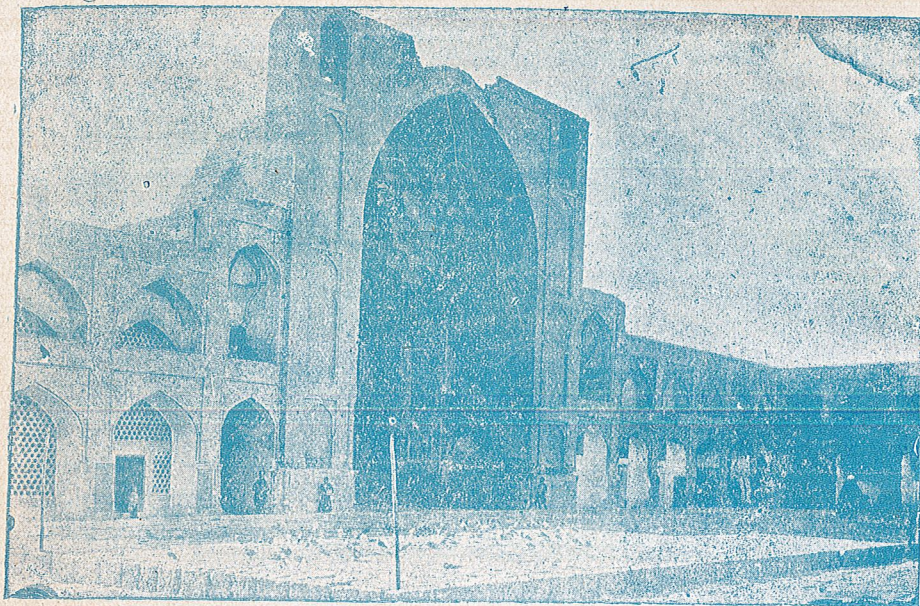


کیند معروف به « خاکی » در مسجد جامع



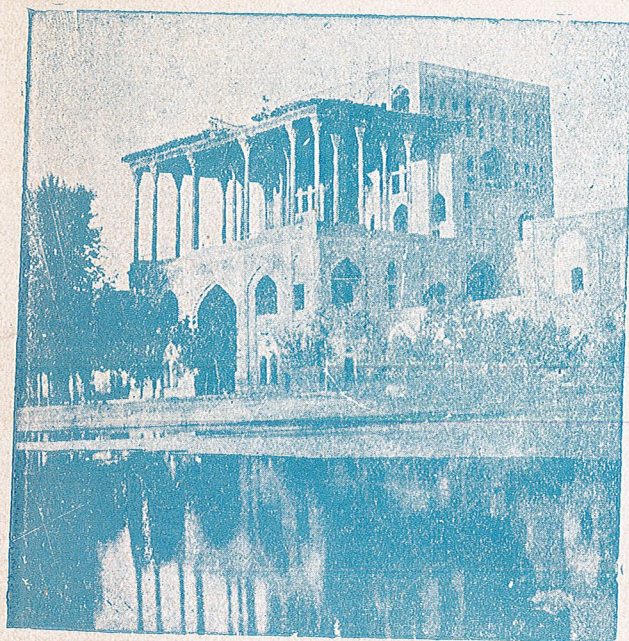
محراب کچیری مسجد جامع





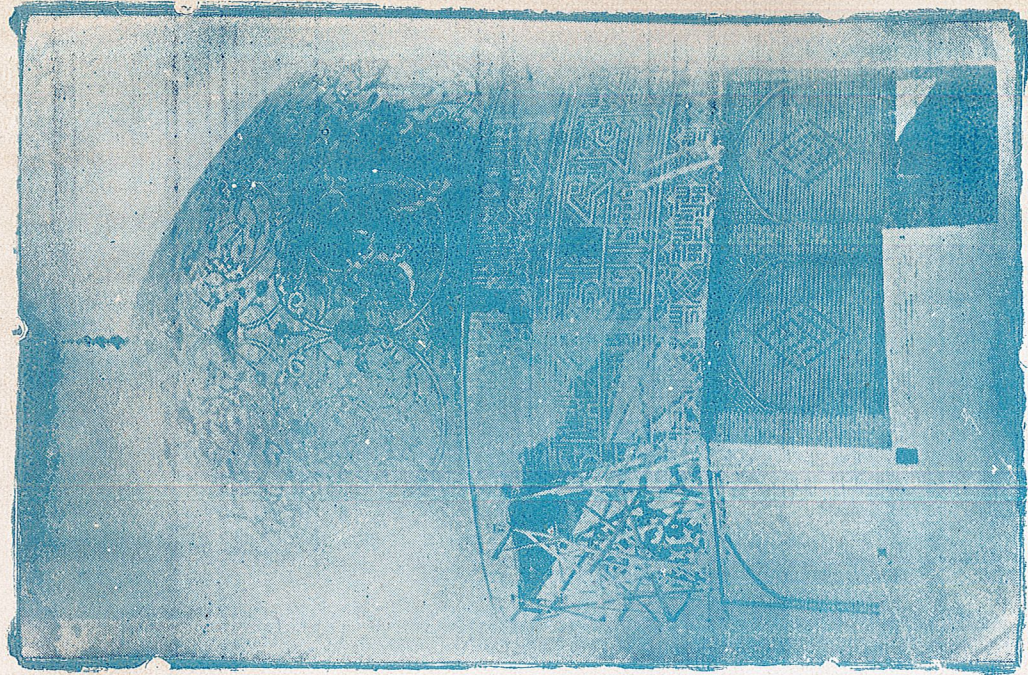
(شکل بالا)

صفه صاحب بن عباد
در مسجد جامع

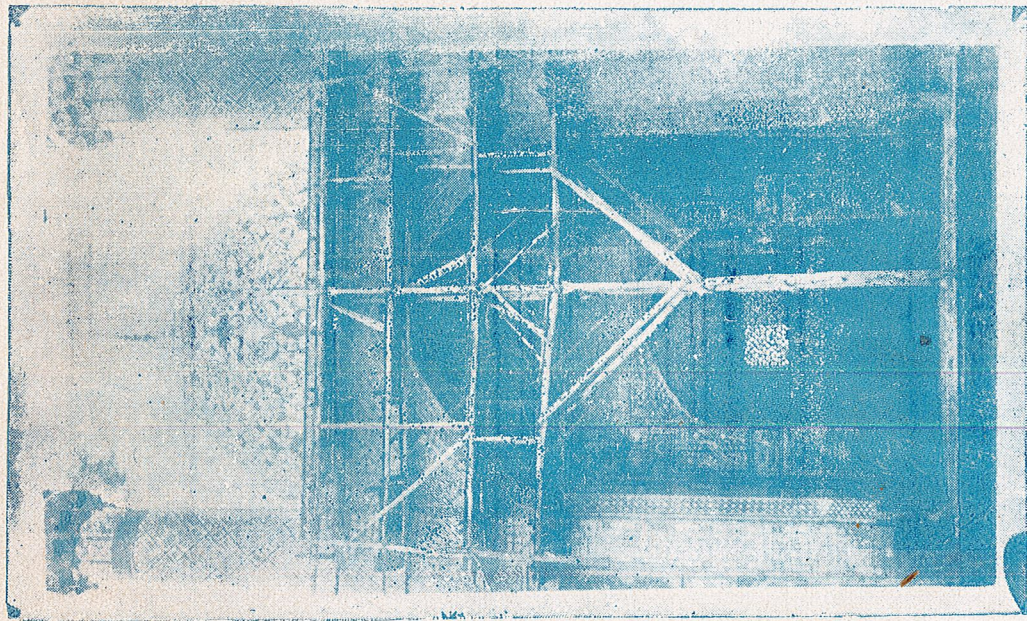


(شکل دست چپ)

عمارت عالی قابو در
میدان شاه



کتابخانه کهنه مدرسه چهار باغ در حین تعمیر



ایوان جنوبی مدرسه چهار باغ در حین تعمیر

حکمت
DS 325
.E7S5

10007500402067
کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران